

یک طلای حیرت‌انگیز برای کاروان ایران

گنج آخر

المپیک ۲۰۲۰

زانوی عباسعلی با اوراه نیامد



در آخرین روز المپیک برای کاروان ایران، انتظار می‌رفت که شاهد دو مدال خوش‌رنگ از سوی نمایندگان کاراته کشورمان باشیم. جمعیده عباسعلی و سجاد گنج‌زاده به عنوان آخرین نماینده‌های ایران در المپیک روز گذشته به مصاف حریفان خود رفتند که گنج‌زاده توانست یک پایان طلایی را برای ورزش کشور در توکیو رقم‌بزند اما جمعیده عباسعلی به جای سکوی مسابقات، روانه بیمارستان شد.

عباسعلی در مبارزه نخست خود مقابل لامیا معطوب دارنده مدال برنز جهان ۲۰۱۸ از الجزایر چهار بر صفر به برتری رسید، سپس برابر الناکویرچی از سوئیس چهار بر صفر شکست خورد و در سومین مبارزه مقابل فریال عبدالعزیز از مصر به برتری ۹ بر هفت رسید. او در چهارمین و آخرین مبارزه خود در رقابت‌های گروهی وزن ۶۱+ کیلوگرم کاراته بانوان مقابل گونگ لی از چین روی تاتامی رفت و در پایان با نتیجه هشت بر چهار شکست خورد تا با مجموع دو پیروزی و دو شکست از رسیدن به مرحله نیمه نهایی بازماند و از دور رقابت‌ها کنار بود. این اتفاق در حالی رقم خورد که در میانه‌های مبارزه، عباسعلی در ناحیه زانو دچار مصدومیت شد. مصدومیتی قدیمی که اگر المپیک سابق موعده خود بر گزار می‌شد، عباسعلی را در رقابت‌ها نمی‌دیدند. کاراته‌کای ایران که بعد از دیدار با چین با چشم‌مانی گریان و لنگ لنگان به سالن گرم کردن رفت، در نهایت سر از بیمارستان درآورد. غلامرضا نوروزی، رئیس فدراسیون پزشکی ورزشی و سرپرست گروه پزشکی اعزامی ایران به المپیک توکیو ۲۰۲۰، در رابطه با وضعیت حمیده عباسعلی، عنوان کرد: «پس از ارجاع و ورزشکار به پلی کلینیک دهکده المپیک معاینات توسط ارتوپد و متخصص انجام و MRI گرفته شد. حمیده عباسعلی مشکوک به پارگی رباط (ACL) و آسیب دیدگی استخوان درشت‌نی (تیبیا) پای سمت چپ است.» سارا بهمنیار دیگر کاراته‌کای ایران بود که روز شنبه از رقابت‌ها کنار رفت.

آخرین نماینده ورزش ایران در توکیو، شاهکار کرد و «سومین» مدال طلا برای کاروان ایران به دست آورد. ایران در اولین روز شروع کارش در این رقابت‌ها به طلا رسید و حالا در آخرین روز حضور در المپیک هم توانست یک طلا به دست بیاورد. درست مثل جواد فروغی که ایران را برای اولین بار در همه تاریخ در تیراندازی صاحب مدال کرد، سجاد گنج‌زاده هم اولین مدال تاریخ کاراته ایران در رقابت‌های المپیک را دست کرد. او در دور گروهی عالی نشان داد و بدون شکست، صدرنشین گروه شد. سجاد برای به دست آوردن صدرنشینی، سه پیروزی به دست آورد و یک تساوی

چهارم به چهره

یک نگاه متفاوت به شکست ستاره‌های المپیک

بگذاریم اشک بریزند

آزاد همتورود

«بخندیم تا اشک نریزند». این جمله پس از شکست ستاره‌های ایرانی در رقابت‌های المپیک، بارها در شبکه‌های اجتماعی تکرار شده است. جمله‌ای که به تیرتورزنامه کیهان پس از شکست تختی بزرگ در فینال المپیک مربوط می‌شود. البته که تلاش برای دلداری دادن به ورزشکاران ایرانی، قابل ستایش است اما شاید بهتر باشد که جلوی اشک ریختن آنها را نگیریم. چرا که همین روحیه فوق‌العاده، در نهایت می‌تواند منجر به بردهای بزرگ شود. چرا که «حسرت خوردن» گاهی اولین قدم برای رسیدن به خوشبختی است.

وقتی در یک مسابقه مهم شکست می‌خوریم، دلیلی برای «اشک ریختن» وجود ندارد. تلاش برای نادیده گرفتن این اشک‌ها، به نوعی «انکار» بزرگی این ستاره‌ها است. ستاره‌هایی که حتی به «تقره المپیک» رضایت نمی‌دهند. که بردن چند مسابقه در بالاترین سطح ورزش دنیا را برای خودشان کافی نمی‌دانند. که حتی بسا «رابط پاره» به زمین می‌روند و با همه وجود برای خودشان و کشورشان می‌جنگند. وقتی حسن یزدانی فینال المپیک را به دیوید تیلمور واگذار کرد،

اتفاق روز

نبرد دو پسر آبی برای یک جام طلایی

جام را در آغوش بگیر

آزاد طاری

هنوز زمان بسیار زیادی از روزهای همبازی بودن جواد نکونام و فرهاد مجیدی در استقلال سپری نشده است. دو ستاره‌ای که در خط میانی و خط حمله برای آبی‌ها به میدان می‌رفتند. حالا آنها در جایگاه دو سرمربی در آخرین مسابقه فصل فوتبال ایران روبه‌روی هم قرار خواهند گرفت. جدالی که سرنوشت دومین جام این فصل را مشخص خواهد کرد. استقلال فصل گذشته در فینال جام حذفی شکست خورد و فولاد برای اولین بار در تمام تاریخش به دیدار نهایی این جام رسیده است. این جدال در اصفهان، بی‌نهایت جذاب و نفس‌گیر خواهد بود.

از شکست تلخ روبه‌روی تراکتورسازی در فینال فصل گذشته جام حذفی، اتفاقات بسیار زیادی در باشگاه استقلال رخ داده است. آن نبرد، آخرین تجربه فرهاد مجیدی روی نیمکت آبی‌ها بود و پس از آن، فرهاد از سمتش کنار رفت و محمود فکری روی نیمکت باشگاه نشست. استقلال یک



راهم تجربه کرد. او در اوج اقتدار، راهی نیمه نهایی المپیک شد و در این مسابقه روبه‌روی حریف سرسخت ترک قرار گرفت. این نبرد تا آخرین ثانیه‌ها بسیار نزدیک و حساس بود و سرانجام با برتری سجاد به پایان رسید. او توانست با زحمت بسیار زیادی به مسابقه پایانی برسد و در این

باید بپذیریم که ستاره‌های ایرانی برای رسیدن به المپیک، مسیر به مراتب نفس‌گیرتری را نسبت به ستاره‌های خارجی طی می‌کنند. اول از همه، آنها هرگز از امکانات «برابر» با خارجی‌ها برخوردار نیستند. گاهی حتی ساده‌ترین امکانات تمرینی در اختیار این ستاره‌ها قرار نمی‌گیرد. علاوه بر این، مشکلات مالی هم همیشه تهدیدی برای این ستاره‌ها محسوب می‌شوند. چرا که نهادهایی مثل وزارت ورزش و هیچ‌وقت حق و حقوق واقعی این ورزشکارها را به آنها پرداخت نمی‌کنند. در چنین شرایطی، «بردن المپیک» مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دغدغه همه این ورزشکارها به شمار می‌رود. چرا که هیچ چیز به اندازه طلای این رقابت‌ها، یک ستاره ورزشی را به سمت جاودانگی سوق نمی‌دهد. از ستاره‌هایی که

دیگر نتوانست از جایش تکان بخورد. به نظر می‌رسد ورزشکار عربستانی برنده این نبرد خواهد شد اما به دلیل «خطا» بودن این حرکت، پزشک‌ها و گروه داور، حریف را «خراج» کردند و سجاد در حالی که با برانکار داز زمین بیرون می‌رفت، طلای المپیک را به دست آورد. او در حالی که چهار بر یک از حریف عقب‌سود و حتی طلای بسیار ارزشمند و تاریخی شد. خیلی‌ها در این لحظات نگران سلامتی سجاد بودند اما او روی پاهای خودش ایستاد و روی سکوی اول المپیک قرار گرفت. شاید خیلی‌ها این موفقیت را ناشی از خوش‌شانسی بدانند اما رسیدن به فینال هم برای سجاد، کار بسیار بزرگی بوده است. نباید فراموش کرد که او در مسیر قهرمانی، با «پنج قهرمان جهان» مسابقه داد و نبردهای بسیار سختی را پشت سر گذاشت. سجاد در حالی این مدال را تصاحب کرد که در دست در آستانه اعزام به المپیک، دچار شکستگی از ناحیه دست شده بود. بدون تردید اگر این اتفاق به صورت برعکس رخ می‌داد و ورزشکار ایرانی در چنین شرایطی شکست می‌خورد، همه گروه داور را متهم به جانبداری

سال‌های سال روز را در زمین تمرین شب کرده‌اند، نمی‌خواهیم پس از شکست اشک نریزند. از ورزشکارهایی که گوشت تن‌شان برای رسیدن به المپیک آب شده، نمی‌خواهیم نسبت به شکست «بی تفاوت» بمانند. از آنها بی که همه زندگی‌شان را روی ورزش استوار کرده‌اند، نمی‌خواهیم کوتاه بیایند و از شرایط موجود، راضی شوند. وقتی آنها به خانه برمی‌گردند، وقت سخوت هشتک‌ها تمام می‌شود، وقتی آهنگ‌های حماسی ته می‌کشند، پس از همه آن لیخندهای ساختگی و گل‌های دورریختنی مراسم استقبال، وقتی که این ستاره‌ها به شهر بی‌چراغ مانده برمی‌گردند، همین اشک‌ها دوباره راه را به آنها نشان خواهند داد. همین اشک‌ها که عده‌ای دوست دارند به زور از روی صورت‌شان بردارند.



اتفاق روز

نبرد دو پسر آبی برای یک جام طلایی

جام را در آغوش بگیر

آزاد طاری

هنوز زمان بسیار زیادی از روزهای همبازی بودن جواد نکونام و فرهاد مجیدی در استقلال سپری نشده است. دو ستاره‌ای که در خط میانی و خط حمله برای آبی‌ها به میدان می‌رفتند. حالا آنها در جایگاه دو سرمربی در آخرین مسابقه فصل فوتبال ایران روبه‌روی هم قرار خواهند گرفت. جدالی که سرنوشت دومین جام این فصل را مشخص خواهد کرد. استقلال فصل گذشته در فینال جام حذفی شکست خورد و فولاد برای اولین بار در تمام تاریخش به دیدار نهایی این جام رسیده است. این جدال در اصفهان، بی‌نهایت جذاب و نفس‌گیر خواهد بود.

از شکست تلخ روبه‌روی تراکتورسازی در فینال فصل گذشته جام حذفی، اتفاقات بسیار زیادی در باشگاه استقلال رخ داده است. آن نبرد، آخرین تجربه فرهاد مجیدی روی نیمکت آبی‌ها بود و پس از آن، فرهاد از سمتش کنار رفت و محمود فکری روی نیمکت باشگاه نشست. استقلال یک

آخرین نماینده ورزش ایران در توکیو، شاهکار کرد و «سومین» مدال طلا را برای کاروان ایران به دست آورد. ایران در اولین روز شروع کارش در این رقابت‌ها به طلا رسید و حالا در آخرین روز حضور در المپیک هم توانست یک طلا به دست بیاورد

از رقیب می‌کردند اما باید پذیرفت که در این دوره از رقابت‌های المپیک، داور در همه رشته‌ها بسیار خوب و بی‌نقص بوده است. این سومین مدال طلای ایران، هفتمین مدال کاروان و آخرین مدال ایرانی‌ها در این دوره از رقابت‌های المپیک بود. در فاصله یک روز به پایان بازی‌ها، ایران با سه طلا، دو نقره و دو برنز، در رده بیست و هفتم همه کشورهای دنیا قرار گرفت. رده‌ای که شاید فاجعه‌بار نباشد اما چندان هم قابل قبول به نظر نمی‌رسد. کاری که سجاد انجام داده اما بدون شک، کاری استثنایی بوده است. حتی اگر سال‌ها بعد، فیلم نبرد فینال را به نوه‌هایش نشان ندهند.

آنها برمی‌گردند و این بار از همیشه محکم‌تر می‌شوند. برمی‌گردند و به همه نشان می‌دهند که آخرین شکست، چقدر تغییرشان داده است. برمی‌گردند و وقت مرور هزاران باره آخرین لحظه از آخرین مسابقه، آمادگی بیشتری به دست می‌آورند و این بار به هیچ قیمتی، با پس نمی‌کشند. ورزشکارهای بزرگ، در «تنهایی» ساخته می‌شوند. در خلوت بی‌رحمانه یک سالان تمرین. وقتی که همه مردم رفته‌اند بی‌زندگی خودشان و همه دوربین‌ها، هنوز خاموش هستند. اولین قدم، همیشه مهم‌ترین قدم است و ستاره‌های کاروان ایران پس از یک استراحت کوتاه، باید دوباره تمرین‌ها را کلید بزنند. المپیک توکیو، دوره درخشانی برای ورزش ایران نبود. در تکیو، دست‌مان خالی ماند و به هیچ مدالی نرسیدیم، در کشتی آزاد حتی یک طلای المپیک دشت نکردیم و در وزنه‌برداری، فقط به تماشای کولاک تمام‌عیار چینی‌ها نشستیم. با این حال نمی‌خواهیم این المپیک را از یاد ببریم و از ستاره‌های ایرانی هم نمی‌خواهیم که همه چیز را فراموش کنند. آنها باید همیشه این شکست را گوشه‌ای از ذهن‌شان داشته باشند. همین حسرت، کافی است تا در تجربه بعدی، با قدرت بیشتری جلو بروند و خودی نشان بدهند. آنها باید از این تجربه درس بگیرند و با تجربه بیشتری به زمین مسابقه قدم بگذارند. امروز، آنها را به اشک نریختن دعوت نمی‌کنیم. چرا که همین اشک‌ها، ملاتی برای ساختن آینده هستند.

نبرد دو پسر آبی برای یک جام طلایی

جام را در آغوش بگیر

آزاد طاری

هنوز زمان بسیار زیادی از روزهای همبازی بودن جواد نکونام و فرهاد مجیدی در استقلال سپری نشده است. دو ستاره‌ای که در خط میانی و خط حمله برای آبی‌ها به میدان می‌رفتند. حالا آنها در جایگاه دو سرمربی در آخرین مسابقه فصل فوتبال ایران روبه‌روی هم قرار خواهند گرفت. جدالی که سرنوشت دومین جام این فصل را مشخص خواهد کرد. استقلال فصل گذشته در فینال جام حذفی شکست خورد و فولاد برای اولین بار در تمام تاریخش به دیدار نهایی این جام رسیده است. این جدال در اصفهان، بی‌نهایت جذاب و نفس‌گیر خواهد بود.

از شکست تلخ روبه‌روی تراکتورسازی در فینال فصل گذشته جام حذفی، اتفاقات بسیار زیادی در باشگاه استقلال رخ داده است. آن نبرد، آخرین تجربه فرهاد مجیدی روی نیمکت آبی‌ها بود و پس از آن، فرهاد از سمتش کنار رفت و محمود فکری روی نیمکت باشگاه نشست. استقلال یک